

شعربیدل در آئینه تذکره‌ها

دکتر نجم‌الرشید ☆

Abstract

Bedil Dehlvi is a famous Persian poet of the sub-continent who instead his own homeland is more popular in Afghanistan and Tajikistan. For last some decades, he has started gaining popularity in Iran where his books are being published and research and critical articles on him are being rendered. The primary critical work on his verse is found in Tazkiras. Tazkira-writers have opened on different aspects of his verse. This article deals with the opinions of Tazkira-writers about him.

میرزا عبدالقادر بیدل که از سخنگویان بنام شبه قاره است، نه تنها در زمان خود معروف بود، بلکه در روزگار بعدی در شبه قاره، افغانستان، آسیای مرکزی و ایران شهرت بسزایی دارد. آثار وی چندین بار در کشورهای مختلف به چاپ رسیده است. تذکره‌نویسان و نویسندگان از روزگاری تا به امروز آثار و اشعار وی را مورد بررسی قرار داده‌اند. منتقدان به زبان‌های مختلف کتابها در نقد شعر وی تالیف کرده‌اند. شاعران فارسی و اردو به تقلید از وی شعر سروده‌اند.

☆ عضو گروه زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

در شبیه قماره، سده ۲ اقمری به سبب تذکره نویسی فارسی از اهمیت زیادی برخوردار است و تقریباً ۳۷ کتاب کوچک و بزرگ در این زمینه تالیف شده است. برخی از آنها به سبب احوال سخننگویان جایگاه ویژه ای دارد و برخی از آنها را در شناخت نقد شعر فارسی باید از جمله بهترین تذکره های فارسی دانست. مولفان این تذکره ها با شاعران و دانشمندان عصر خود همنشینی و در مجالس ادبی آن روزگار فعالیت بسزایی داشتند و از همین روست که آنان از احوال و نهضت‌های ادبی و طرز و سبک شاعران آن زمان آگاهی کامل دارند و از ذوق نقد شعر فارسی نیز به خوبی برخوردار اند. آنان با دقت و بدون هیچ تعصب به بررسی اشعار شاعران می پردازند و خوب و بد آنان را روشن می سازند. تذکره نویسان بزرگ این دوره، اشعار بیدل را نیز از نظر جنبه های انتقادی گوناگون مورد بررسی قرار داده اند و از جمله آنها می توان به نقدزبان، زمینه های معنایی و عاطفی، نقد بلاغی، قالب و صورت شعر، رابطه صورت و معنی، نقد از طریق مقایسه بین شاعران، معایب سخن و نقد ذوقی اشاره کرد.

در حوزه نقد زبان، تذکره نویسان در بررسی اشعار بیدل اشاره هایی مربوط به آن مانند "فصاحت و بلاغت" و "واژگان و ترکیبات" داشته اند که اغلب آنها بسیار جالب توجه است.

- سراج الدین عملی خان آرزو از منتقدانی است که با دقت و بدون هیچ تعصب به بررسی اشعار شاعران می پردازد. وی از لغت

نویسان و زبان شناسان بزرگ شبه قاره به شمار می رود؛ در تذکره مجمع النفایس در هنگام آوردن نمونه ابیات شاعران به واژگان و ترکیبات شعری آنها توجه ویژه ای داشته آنها را از نظر جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده و گاهی به اصلاح اشعار شاعران پرداخته که قابل توجه است و این ویژگی او را از تذکره نویسان آن دوره متمایز می کند.

آرزو در تذکره خود در ضمن نقل کردن بیتی از بیدل دهلوی چنین به اصلاح می پردازد:

”هر جا خرام خوش نگهان گردناز ریخت

تا چشم نقشش پاگل بادام داشته است

و مذاق فقیر آرزو در مصراع اول به جای ”گردناز“ رنگ جلوه“ مناسب است.“ (آرزو، ۲۷)

- آزاد بلگرامی در ضمن بررسی اشعار بیدل به عنصر ”فصاحت“ که مربوط به زبان است، نظر داشته است:

”میرزا (بیدل) اشعار موافق قواعد فصاحت بسیار دارد و اگر صاحب استعدادی از کلیات او آن اشعار را جدا کند، نسخه اعجاز دست بهم دهد.“ (آزاد بلگرامی، خزانه عامره، ۱۵۳).

- آزاد بلگرامی به اصلاح بیتی از بیدل چنین نوشته است:

تا گهر باشد چرا دریا کشد ننگ حیات

حیف باشد خیر دل عاشق به دست یار گل

مصراع ثانی این بیت، فقیر (= آزاد بلگرامی) را خوش آمد.

مصرع اولی موافق طبعم چنین اولی است:

شوخ ناانصاف من می چیند از گلزار گل “ (آزاد بلگرامی،
سرو آزاد، ۱۲۲).

اغلب تذکره نویسان و منتقدان فارسی در ضمن بررسی اشعار بیدل به معنی و مضمون توجه خاصی داشته اند. و آراء آنان بیشتر به طور کلی به نثر مصنوع و به عبارت پردازی ارائه شده است.

- شیرخان لودی درباره “معانی رسانی” میرزا عبدالقادر بیدل (د ۱۳۳ق / ۱۲۰م) چنین اظهار نظر می کند:

”حسن معانی از پرده مشکین الفاظش به رنگ شعشه جمال
معشوق از حجاب تقاب نمایان و حروف دلنشینش از پرتو مضامین
روشن چون خطوط شعاعی مقدمه خورشید تابان. ریش معانی
برزمین اشعار مثل قطرات باران رحمت بیرون از اندازه و شمار، و
کبک خوش خرام از الفاظ آبدار چون ابر نیسان گهر بار.“
(لودی، ۲۵۱)

شاعران فارسی شبه قاره و ایران به روزگار صفویان و تیموریان هند، تحت تاثیر تجربیات، در پی ایجاد و کوشش معنی های تازه و بیگانه بوده اند. محمد افضل سرخوش که از شاعران بنام سبک هندی است، در مقدمه کتاب تذکره کلمات الشعراء، روزگار ادبی خود را دوره “معنی یابان و تازه گوینان” قرار می دهد. وی در این تذکره ذیل معرفی شاعران به عنصر “معنی و مضمون” در ساختمان شعر نظر داشته است و درباره بیدل چنین می نویسد:

”بحر بی ساحل، میرزا عبدالقادر بیدل. استاد فن ست، بسیار
گو و خوبگو است. امروز در دارالخلافة کوس رستمی می نوازند و به
داد معنی یابی و نازک بندی می رسد..... در این عهد شاعران چون او
نیست.“ (سرخوش، ۱۲)

- آزاد بلگرامی درباره عبدالقادر بیدل چنین نوشته است:

”بیدل. میرزا عبدالقادر عظیم آبادی، پیر میکرده سخنرانی،
افلاطون خم نشین یونان معانی است که را قدرت که به طرز تراشی
او تواند رسید و که را طلاق که کمان بازوی او تواند کشید، چنانچه
خود جرس دعوی می جنباند:

مدعی در گذر از دعوی طرز بیدل
سحر مشکل که به کیفیت اعجاز رسید

و مؤلف (آزاد) گوید:

رساند پایه معنی به آسمان نهم
بلند طبع شناسد کلام بیدل را

(آزاد بلگرامی خزانه عامره، ۱۵۲)

- آزاد بلگرامی در تذکره سرو آزاد چنین آورده است:

”عمده سخن طرازان و شهره سحر پردازان است. در اقسام
نظم پایه بلند و در اسالیب نثر رتبه ارجمند دارد. طبع دراکش چه
قدر معانی تازه بهم رسانده..... از آغاز شعور تا دم آخر چشم بر سیمای
معنی دوخته..... میرزا معنی آفرین بی نظیر است.“ (آزاد بلگرامی،
سرو آزاد، ۱۴۸)

بعضی از تذکره نویسان فارسی در ضمن اشارات خود به نقد موسیقی شعر بیدل نیز پرداخته اند که بسیار قابل تأمل است.

- بندر ابن داس خوشگو که در مجالس شعر که در منزل مرزا بیدل برپا می شد، حضور می یافت، در تذکره سفینه خوشگو در ضمن نقد شعر بیدل به برخی از عناصر موسیقی شعر تاکید دارد:

”پنجاه و چند هزار بیت غزلیات و اقسام بحور و زمین های شگفته و طرحی که از عهد برآی هر یک کار همت بلند او (بیدل) است، بلکه گمان غالب آنکه هیچ بحری از بحور در رسائل عروض از گفتن نمانده باشد و چون از فکر همه آنها طبیعت را سیر یافت، بر همان قدر اکتفا نکرده بحر بیستم سوای آن نوزده بحر عروض ایجاد کرده و در آن غزلیها سرانجام داد، چنانکه چهار بیت از دو غزل به یاد بود:

می و نغمه مسلم حوصله که قدح کش گردش سر نشود
بهل است سبک سری آن قدرت که دماغ جنون زده تر نشود

چه بود سر و کار غلط سبتان در علم و عمل به فسانه زدن
ز غرور دلایل بی خردی همه تیر خطا به نشانه زدن
مژه ز توقع کار جهان بهم آرد غبار هوینشان
به کشودن چشم طمع نتوان صف حلقه بهر در خانه زدن
عقاب جهنم و رنج ابد تر سد به عذاب نفاق و حسد
تو امان طلب از در خلد و در آب تغافل از اهل زمانه زدن
(خوشگو، ۲۵م)

تذکره خزانة عامره یکی از مهم ترین و سود مند ترین تذکره های فارسی به شمار می رود که در زمینه نقد شعر فارسی حاکی از نوآوری و خلاقیت بسیار است.

مؤلف آن آزاد بلگرامی از نویسندگان است که درتالیف تذکره های خود در ضمن بررسی اشعار سخنگویان به عناصر گوناگون نقد شعر فارسی توجه شایانی دارد که بسیار قابل تأمل و باارزش است و در زمینه نقد شعر فارسی جایگاه ویژه ای دارد. او در تذکره خود، در زمینه نقد موسیقی، گاهی با نظرات تذکره نویسان پیشین که درباره شعر شاعران ارائه کرده اند، به اختلاف پرداخته است و گاهی در تمایید سخن خود به تقطیع اشعار آنان می پردازد و گاهی اوزان شعر فارسی را با اوزان شعر عربی نیز مقایسه می کند. تذکره خزانة عامره، در ضمن معرفی احوال میرزا بیدل، آزاد بلگرامی از قدرت او در محور گوناگون چنین اظهار نظر می کند:

”بیدل) در محور قلیل الاستعمال، غزل های قدرت می گوید، خصوص بحر کامل. در این بحر می گوید:

من سنگدل، چه اثر برم ز حضور ذکر دوام او
چون گین نشد که فروروم به خود از خجالت نام او
و در بحر متدارك. که آن رکض الخیال و صورت الناقوس نیز نامند.
می گوید؛ و بنا بر شانه زده رکن می گذارد:

چه بود سرو کار غلط سبقان، در علم و عمل به فسانه زدن
ز غرور دلایل بی خبری، همه تیر به خطا نشانه زدن

و در بحر مطوری گوید:

منفعلم، برکه برم، حاجت خویش از بر تو
ای قدمت بر سر من، چون سر من بر در تو
و در بحر خفیف مثنی. که تقطیعش ”فعلاتن‘ مفاعلن‘ فاعلاتن‘
مفاعلن دوپار است، می گوید:

یه تماشای این چمن درمژگان فرازکن
زخمستان عافیت قدحی گیرد نازکن
(آزاد بلگرامی، سرو آزاد، ۱۵۴)

آزاد بلگرامی در تذکره سرو آزاد به عنصر موسیقی در شعر بیدل نیز
توجه داشته است:

۱. ”واز بس قوت طبع گاهی باد پای فکر تند می تازد و به طور
ملاحظه‌وری ترشیزی در یک زمین مکرر طرح غزل می اندازد.“
۲. ”و میرزا را بحر کامل مرغوب افتاده و در این بحر شنائی کرده
بهر عطاء اللہ صاحب رسالہ عروضی، گوید: ”بعضی متاخرین
شعراى عجم بر کامل مثنی شعر گفته اند. خالی از غدوتبی نیست،
چنانچه خواجه کمال الدین سلمان ساوجی فرماید:

به صنوبر قد دلکشن اگر ای صبا گذری کنی
به هوای جان حزین من دل خسته را خبری کنی

و از مطالع میرزا بیدل است:

تو کریم مطلق و من گدا چه کنی جز اینکه نخوانیم
دری دیگریم بنما که من بکجا روم چو برانیم

(آزاد بلگرامی، سرو آزاد، ۱۵۱.۱۵)

مرزا عبدالقادر بیدل در میان شعرای همزمان مقبولیت و شهرت خاصی داشت و بسیاری از آنان را تحت تاثیر خود قرار داد. شاعران معروف آن روزگار به پیروی از بیدل شعر سرودند و به "پیش مصراع رسانی" پرداختند و یکی از آنان محمد افضل سرخوش نیز بود. پیش مصراع رسانی به معنی، گفتن مصراعی است که معنای مصراع دوم شاعر دیگر را کامل کند. سرخوش در تذکره خود به پیش مصراع رسانی خود چنین می نویسد:

"فقیر سرخوش به اشاره میان ناصر علی، چند بیت ایشان (بیدل) را از راه شوخیها پیش مصراع رسانیده، مطلع ساخته، اگر چه ایشان شنیده محظوظ نشدند (و) از روی غیرتی که تلامذه رحمانی را می باشد، بد بردند، اما یاران منصف پسندیدند، چنانچه ایشان فرموده اند:

به فرصت نگهی آخر است تحصیل
برات رنگم و برگل نوشته اند مرا
سرخوش:

ز بی ثباتی عشرت سرشته اند مرا
برات رنگم و برگل نوشته اند مرا

بیدل:

عوارض کثرت و همست ذات وحدت ما را
خلل در شخص یکتا نیست گر قامت دو تا گردد

سرخوش:

دویی کی ذات وحدت را به کثرت رهنما گردد
خلل در شخص یکتا نیست گر قامت دوتا گردد

بیدل:

شخص پیری نفسی هستی می کند هشیما رباش
صورت قد دوتا آینه ترکیب لاست

سرخوش:

جلوه گاه نقش پیری تخته مشق فناست
صورت قد دوتا آینه ترکیب لاست

.....

بیدل:

گل جام خود عبث بشکستن نمی دهد
صاف طرب به شیشه رنگ پریده است

سرخوش:

دست نشاط دامن از خود رمیده است
صاف طرب به شیشه رنگ پریده است

.....

بیدل:

بی تکلف مرگ هم آسان نمی آید به کف
از تماشای دو عالم چشم باید دوختن

سرخوش:

نیست از شمع اجل آسان نگاه افروختن
از تماشای دو عالم چشم باید دوختن
(سرخوش، ۱۶۱۵)

خوشگودر ضمن نقد و بررسی بعضی شاعران به گواهی
دعوی خود، ابیاتی که شاعران مورد بحث در آنها از ویژگی های
شعری خود اشاره داشته اند، نیز آورده است. و این کار او را از دیگر
منتقدان ممتاز می کند. خوشگو در ذیل معرفی بیدل این ابیات او را
نقل کرده است:

بیدل:

کس نمی فهمد زبان خاکسار پهای من
ورنه هر گردی که بر خیزد ز خاکم ناله است

.....

به دل دارم چو شمع از شعله های آه سامانی
مرتب کرده ام از مصراع بر چسته دیوانی
(خوشگو، ۱۴۱)

☆☆☆☆☆

کتابشناسی

- آرزو، سراج المدین علمی خان، مجمع التفایس، بہ کوشش
عابد رضا پیدار، پتتا، ۱۹۹۲ م
- آراد بلگرامی، خزائنہ عامرہ، کانپور، ۱۸۷۱ م
- همو، سرو آزاد، بہ کوشش عبدالقادر خان، حیدرآباد، ۱۹۱۳ م
- خوشگو، بندراہن داس، سفینہ خوشگو، بہ کوشش سید شاہ محمد
عطا الرحمن عطا کاکوی، پتتا، ۱۹۵۹ م
- سرخوش، محمد افضل، تذکرہ کلمات الشعراء، بہ کوشش صادق
علی دلاوری، لاہور،
- لودی، شیر خان، تذکرہ مرآة الخیال، بہ کوشش حمید حیسنی،
تہران، ۱۳۷۷ ش

